

ترجمه در دوران دفاع مقدس

فرزانه فرحزاد (دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی)

farahzadatu@yahoo.com

چکیده

بررسی وضعیت ترجمه در هر دوران در پیچه ای است به اوضاع جامعه در آن برهه از تاریخ. آن چه در دوران دفاع مقدس در حوزه ادبیات ترجمه شده در ایران اسلامی گذشت با همین فرض در قالب یک طرح پژوهشی بررسی شد. نتایج نشان داد در این دوران در حوزه رمان، تعداد ترجمه های مجدد و چاپ مجدد ترجمه های قبلی بیشتر از ترجمه های تازه بوده، آثار کلاسیک همواره پُر ترجمه و پُر چاپ بوده اند، یعنی ادبیات نو آن زمان به بازار راه نداشته، اما در حوزه داستان کوتاه، نشریات ادبی در ارایه فرم های نو پیشگام بوده اند. نتایج همچنین نشان داد که مهم ترین شیوه ترجمه در این دوران بومی سازی بوده است، یعنی در دوران پر تلاطم دفاع مقدس ترجمه در خدمت دو نیروی متقابل به کار رفته است. هم در صدد مقابله با ورود ادبیات، مفاهیم و ارزش های نو، بیگانه و نا ایمن بوده است و هم به واسطه خاصیت ذاتی خود محمل ورود این مفاهیم بوده است. نقش اول در ترجمه رمان ها پر رنگ است و نقش دوم در ترجمه داستان های کوتاه در نشریات ادبی که در پی معرفی آثار و سبک های نو بوده اند.

کلیدواژگان: دفاع مقدس، ترجمه ادبی، ادبیات دفاع مقدس، جنگ ایران و عراق، ترجمه و دفاع مقدس.

۱- مقدمه

ایران در زمان کوتاهی شاهد دو واقعه تاریخی بود. نخست استقرار حکومت جمهوری اسلامی در سال ۱۳۵۷ و دوم آغاز جنگی که در رسانه های خارجی جنگ "ایران و عراق" نامیده می شد و در ایران بر آن نام "دفاع مقدس" نهادند. در میان التهاب های دوره دفاع مقدس، مردم، خارج از جبهه ها و سنگرها

می‌زیستند و در این زیستن برای خود خوراک فرهنگی نیز تهیه می‌کردند. بخش مهمی از این خوراک فرهنگی را ادبیات و فرهنگ فراهم می‌کرد. در این میان، ترجمه نیز یکی از ابزار تولید ادبی بود. از طریق ترجمه، آثار ادبی و سینمایی ملل دیگر راه به جامعه آن دوران می‌یافتند. مقاله حاضر بر این فرض استوار است که بررسی جریان ترجمه در آن دوران می‌تواند بخشی از زوایای ناکاویده عرصه ادبیات را در آن زمان مشخص کند و تحلیل جریان های ترجمه در بستر جامعه و از نگاه جامعه‌شناختی می‌تواند به درک بهتر جامعه آن دوران در بستر تغییرات تاریخی کمک کند.

ارتباط میان ترجمه و جامعه از دیرباز در مطالعات ترجمه مطرح و بررسی شده است. ترجمه پژوهان غربی ترجمه را نوعی رفتار اجتماعی می‌دانند. از نظر آنها مترجم به نظام اجتماعی تعلق دارد، پس در جامعه تعریف می‌شود و نقشی اجتماعی دارد. متنی هم که او تولید می‌کند، یعنی متن ترجمه، در جامعه تولید و مصرف می‌شود. آنها همچنین معتقدند که چون جامعه و نهادهای اجتماعی، انتخاب، تولید، توزیع و مصرف ترجمه‌ها را بر عهده دارند. پس راهکارهای ترجمه را در هر جامعه و در هر دوران تعیین می‌کنند. ولف و فوکاری (۲۰۰۷، ص ۵) معتقدند با بررسی رابطه میان نویسنده، متن، ترجمه و خوانندگان آن در جامعه می‌توان به ویژگی های ترجمه در هر دوران پی برد. البته عکس این هم صادق است؛ یعنی با بررسی ویژگی های ترجمه و خوانندگان آن در جامعه هم می‌توان به بعضی نکات اجتماعی دست یافت. تحقیق حاضر نیز با این فرض انجام شد.

این تحقیق بر آن بود که با بررسی جریان ترجمه در حوزه ادبیات مکتوب داستانی بزرگسال در دوره دفاع مقدس بخشی از فضای فرهنگی مردم این مرز و بوم را در آن دوران شناسایی و معرفی کند. سوال‌های این تحقیق به شرح زیر است:

۱. در این دوران، چه ترجمه می‌شد؟
۲. در این دوران، از چه زبان‌هایی ترجمه انجام می‌شد؟
۳. علت انتخاب این آثار برای ترجمه چه بود؟
۴. راهکارهای ترجمه ادبیات داستانی در این دوران چه بود؟
۵. تلویحات ایدئولوژیک این انتخاب‌ها و راهکارها چیست؟

برای پاسخ دادن به سؤال های اول و دوم و سوم از نظریه نظام چندگانه اون زوهار Even-Zohar (۱۹۷۸) و برای پاسخ دادن به سؤال های چهارم و پنجم، از چارچوب مدل سه بعدی نقد ترجمه فرحزاد (۲۰۱۲/۲۰۰۹) استفاده شد.

۲- چارچوب نظری

الف (برای پاسخ دادن به سؤال های اول، دوم و سوم از نظریه نظام چندگانه اون زوهار (۲۰۰۰/۱۹۷۸) استفاده شده است. طبق نظریه نظام چندگانه ادبی اون زوهار (۲۰۰۰/۱۹۷۸) ادبیات ترجمه شده گاه "جایگاه اصلی" را در نظام ادبیات مقصد اشغال می کند و گاه "جایگاه فرعی" را. جایگاه اصلی وقتی است که ادبیات ترجمه ای "نوآوری" دارد، "غیر متعارف" است، مدل ها یا ژانرهای نو را به ادبیات مقصد وارد می کند، و در ادبیات مقصد "اثرگذار" است، یعنی منجر به تولید صورت های نویی می شود که در نظام ادبیات مقصد جا باز می کنند و تغییر ایجاد می کنند. در این شرایط ترجمه ها مبدأ-مدار می شوند، یعنی راهکار غالب ترجمه تحت اللفظی است که موجب می شود متن مقصد رنگ و بوی بیگانه داشته باشد. ادبیات ترجمه ای وقتی جایگاه فرعی اشغال می کند که "تأثیری در نظام ادبیات مقصد ندارد"، "محافظه کار" است و صورت ها و قالب های جا افتاده و کلیشه ای را دنبال می کند. در این شرایط ترجمه مقصد-مدار می شود، یعنی ترجمه ای که رنگ و بوی بیگانگی ندارد. راهکار غالب در این جا روان سازی و طبیعی سازی است.

ب (برای پاسخ دادن به سؤال های چهارم و پنجم، از مدل سه وجهی نقد ترجمه فرحزاد (۲۰۰۹/۲۰۱۲) استفاده شده است. در این مدل نقد ترجمه از دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی انجام می گیرد، یعنی انتخاب های ترجمه ای ابتدا تحلیل می شوند و سپس با توجه به مؤلفه های اجتماعی، سیاسی و تاریخی مربوط به زمان تولید متن های مبدأ و مقصد از لحاظ ایدئولوژیک تبیین می شوند. اساس این مدل و مفاهیم اصلی آن به شرح زیر است.

به طور کلی گفتمان به رابطه میان متن و جامعه اشاره دارد و تحلیل انتقادی گفتمان به مسائلی چون نابرابری و تبعیض می پردازد که در جامعه وجود دارند و در متن خود را در قالب زبان نشان می دهند. پیش فرض چنین دیدگاهی آن است که زبان، قدرت، و ایدئولوژی به هم مرتبط اند، زبان محمل

ایدئولوژی و متن عرصه ظهور و حضور ایدئولوژی است (فرکلاف، ۱۹۹۵) و هرچه در متن می آید یعنی کلمات، معناها و ساختارها، همه نشان از موضع گیری هایی دارد که موجب می شود بعضی گروه های اجتماعی در مرکز قدرت قرار بگیرند و بعضی دیگر به حاشیه رانده شوند.

اصطلاح *ایدئولوژی معانی* و تعابیر مختلفی دارد که بعضی بیشتر و بعضی دیگر کمتر سیاسی هستند. در تعریف سیاسی تر، ایدئولوژی دارای بار معنایی منفی است و غالباً با مفاهیمی چون تحریف و سلطه سیاسی همراه است. اما در مطالعات ترجمه این اصطلاح به معنایی گسترده تر به کار می رود و محدود به حوزه سیاسی نیست. پرز (۲۰۰۳، ص ۵) به نقل از وندایک (۱۹۹۸، ص ۴۸) آن را مجموعه ای از باورهای گروهی می داند و معتقد است ایدئولوژی به شیوه های تفکر، ارزش گذاری، و رفتارهایی مربوط می شود که در جامعه ترویج می شوند، بر آن حاکم می شوند و به صورت عرف در می آیند. مدل فرحزاد (۱۳۹۰) انتخاب های مترجم را در سه سطح متنی، پیرامنی و نشانه ای تحلیل می کند و تلویحات ایدئولوژیک آن ها را بررسی می کند.

۳- مرور ادبیات

۳-۱- ترجمه و جامعه شناسی

بعضی رویکردهای موجود در مطالعات ترجمه عمدتاً ترجمه را در چارچوب جامعه شناسی بررسی می کنند. نظریه اسکوپوس (به نقل از ماندی، ۲۰۰۱) از نخستین دیدگاه های جامعه شناختی در این زمینه است. این نظریه که نقش گرا هم به حساب می آید، ترجمه را امری هدف مند می داند و بر آن است که مترجم باید هدفی را که سفارش دهنده ترجمه در سفارش خود ذکر می کند، دنبال کند و راهکارهای ترجمه را بر اساس آن تعیین و اجرا کند.

ورمیر (۲۰۰۶) همچنین در جایی دیگر از نظریه نظام های اجتماعی لومان استفاده می کند و ترجمه را "نظام اجتماعی جامعی" می داند که حاوی "نظام ها یا زیر-نظام های دیگری" است (ص ۶). ورمیر (۲۰۰۶، ص ۲۳) سیستم را این گونه تعریف می کند: "سیستم یعنی نظم و ساختار و روابط منظم میان عناصر هر ساختار". ورمیر (۲۰۰۶، ص ۱۴) می گوید "اساس نظریه لومان مشاهده است" که همواره تابع دیدگاه خاص مشاهده کننده است و هر نظام می تواند خود را نیز مشاهده کند. ورمیر (همان جا) می

گوید ترجمه از فرآیندها، رویدادها و نتایجی که طی دوران پدیدآمدنش رخ داده است، استفاده می کند و در حقیقت خودش را مشاهده می کند.

دیگر رویکرد اجتماعی به ترجمه، نظریه اون زوهار (۱۹۹۰) با عنوان نظام چندگانه ادبیات، به نقش ادبیات ترجمه شده در نظام های ادبی و تاریخی جامعه مقصد می پردازد. این نظریه سرآغاز مطالعات توصیفی در ترجمه بوده است. بر اساس این نظریه، ادبیات نظامی پویا، نقش مند و لایه ای است و حاوی چندین شاخه و زیر شاخه است که ادبیات ترجمه شده یکی از آنها است. در این نظریه نظام ها بسیار سلسله مراتبی هستند و همواره بر سر احراز جایگاه اصلی در ادبیات مجاز، یعنی ادبیاتی که جامعه آن را پذیرفته و ترویج آن را مجاز می داند، در نزاع هستند. در این نظریه ادبیات ترجمه شده به محض آن که به جامعه مقصد راه می یابد دیگر جزئی از جامعه مقصد است زیرا می تواند منشأ اثراتی در آن باشد. یعنی از طریق ادبیات ترجمه شده ژانرها یا سبک ها یا نگرش های ادبی گوناگون به ادبیات مقصد راه می یابند و موجب تغییر و گسترش آن می شوند. اون زوهار (۱۹۹۰) بر آن است که نسبت ادبیات ترجمه شده به ادبیات تولید شده همواره در جوامع گوناگون و در دوره های مختلف تاریخ تغییر می کند. یعنی گاه حجم ادبیات تولید شده بیشتر از ادبیات ترجمه شده می شود و گاه بر عکس. از نظر او تغییر این نسبت تابع شرایط اجتماعی، فرهنگی، تاریخی، و گاه سیاسی است.

رویکرد جامعه شناختی دیگری که به مطالعات ترجمه راه یافت رویکرد هنجار مدار است که با کار ترجمه پژوهانی چون توری، هرمانز و دیگران در دهه ۱۹۹۰ مطرح شد. آنها به مفهوم هنجار یا عرف در ترجمه می پردازند و معتقدند هنجارها ساختارهای اجتماعی را می سازند، پس بررسی رابطه جامعه و ترجمه باید هنجارهای اجتماعی را در نظر بگیرد چون این هنجارها به نوبه خود عرف های زبانی و در نتیجه عرف های ترجمه ای را می سازند. از نظر آنها، هنجارها در همه مراحل ترجمه دخیل هستند؛ مثلاً در مرحله انتخاب متن و تصمیم گیری درباره اینکه چه ادبیاتی باید ترجمه شود و کدام الگوهای ادبی باید از راه ترجمه وارد ادبیات مقصد شود، و نیز در مرحله تعیین راهکارهای ترجمه، یعنی اینکه ادبیات انتخاب شده باید چگونه ترجمه شود تا قابل چاپ و توزیع در جامعه مقصد باشد. در اینجا بررسی و تحلیل هنجارها یا عرف های ترجمه ای که در دوران خاصی در جامعه مقصد رایج است، می تواند نشان بدهد که جامعه مقصد رابطه مبدأ چگونه می بیند و آن را چگونه در زبان منعکس می کند.

چسترمن (۲۰۰۷، ص ۱۷۹) معتقد است ترجمه‌ها می‌توانند در جوامع مقصد منشأ اثر باشد. او می‌گوید وقتی ترجمه‌ای را می‌خوانیم، نخستین تأثیر آن تأثیری شناختی است، به این معنا که همواره در مورد کیفیت، صحت و روانی آن می‌اندیشیم و قضاوت می‌کنیم. به عبارت دیگر همچنان که متن ترجمه را می‌خوانیم با آن تعامل می‌کنیم. از نظر او این تعامل هم ذهنی است (مانند وقتی که در مورد کیفیت ترجمه می‌اندیشیم و قضاوت می‌کنیم) و هم عاطفی. او همچنین به تأثیرات فرهنگی ترجمه توجه می‌کند. از جمله ترویج یک نوع ادبی خاص یا یک سبک ادبی خاص در جامعه مقصد، تغییر هنجارهای ترجمه‌ای در جامعه مقصد، تغییر برداشت‌های رایج از فرهنگ مبدأ در جامعه مقصد، و نظایر اینها. چسترمن (۲۰۰۶) بر آن است که هنگامی که به جامعه‌شناسی ترجمه می‌پردازیم، در واقع به هر سه حوزه زیر توجه داریم: محصول ترجمه، مترجم و روند ترجمه (۲۰۰۶، ص ۱۲) و تحقیق در ترجمه با بافت‌های فرهنگی و اجتماعی و شناختی ارتباط دارد (۲۰۰۶، ص ۱۱).

هرمانز (۲۰۰۷) از متن شروع می‌کند و ترجمه را به صورت یک نظام اجتماعی که در متن منعکس است بررسی می‌کند. هرمانز (۲۰۰۷، ص ۶۶) ترجمه را نوعی نظام اجتماعی نقش‌مند می‌داند و از نظر او، نقش این نظام اجتماعی آن است که دامنه ارتباطات جامعه‌های زبانی مختلف را گسترش دهد و معتقد است این نظام از طریق زبان و متن خود جوامع را معرفی و بازنمایی می‌کند. هرمانز بر آن است که ترجمه‌ها هرگز با هیچ متن مبدأ‌ای برابر نیستند و باید آنها را به صورت متن‌های تازه و مستقل در نظر گرفت. ادبیات در واقع بازنمایی جامعه در متن است؛ و نقش ترجمه بازنمایی جنبه‌هایی از اجتماع است که در متن آمده است؛ پس ترجمه در واقع انعکاس جامعه مبدأ در متن مبدأ را بار دیگر در جامعه مقصد و در متن مقصد بازنمایی می‌کند. از نظر هرمانز، ترجمه نوعی گفت‌وگو ثانوی است که نماینده نوعی گفت‌وگو دیگر است.

توجه به مناسبات قدرت در مطالعات ترجمه با رویکرد مکتب تحریف^۱، توسط لوفور، بسنت و هرمانز (۱۹۸۵) آغاز شد و در دهه ۱۹۹۰ رونق گرفت. ویدال و آوارز (۱۹۹۶، ص ۲) معتقدند مترجم می‌تواند فرهنگ و ادبیات را تحریف کند و موجب تغییراتی در جامعه مقصد شود. ونوتی (۱۹۹۵، ص ۱۹) ترجمه را کاری فرهنگی-سیاسی می‌داند که تصویری از هویت مردم جامعه مبدأ در جامعه مقصد می‌سازد، هویتی که خود نشان از ایدئولوژی دارد. از نظر او، این تصویر یا با ارزش‌های رایج در فرهنگ

^۱ Manipulation School

مقصد سازگار است یا خلاف آنها است. ونوتی می گوید ترجمه یکی از مهم ترین ابزار معرفی فرهنگ ها است و با تصویری که از جامعه، یا جوامع مبدأ فراهم می آورد، موجب می شود برداشت های خاصی از آنها در جوامع دیگر پدید آید.

تیموکزکو و گتزلر (۲۰۰۲، مقدمه) معتقدند که دور فرهنگی در مطالعات ترجمه در واقع باید "دور قدرت" نام بگیرد. آنها قدرت و فاعلیت و اختیار را محصول گفتمان های غالب در دوره های تاریخی می دانند. آنها بر این باورند که ترجمه ها جنبه هایی از "دیگری" را وارد فرهنگ مقصد می کنند و در تغییرات فرهنگی نقش دارند و با سلطه فرهنگی و مقاومت فرهنگی یعنی با قدرت مرتبط هستند. از نظر آنها قدرت نه تنها به معنای اعمال نیروی فیزیکی، بلکه به معنای اعمال کنترل و تحمیل اختیار است. آنها ترجمه را در فضای استعمار، ابزاری می دانند که دو نقش متفاوت دارد؛ هم در خدمت قدرت استعمارگر است و هم وسیله ای است که مستعمره برای مقاومت در برابر استعمارگر به کار می گیرد. آنها معتقدند ترجمه ها همیشه موضع گیری دارند و در نتیجه بازنمایی جوامع مبدأ در آنها با موضع گیری ایدئولوژیک توأم است. به این ترتیب، ترجمه عرصه رویارویی گفتمان های مبدأ و مقصد است. البته از نظر این دو ترجمه پژوه، راهکاری به نام راهکار قدرت در ترجمه وجود ندارد؛ بلکه راهکارهای ترجمه می توانند در خدمت قدرت به کار بروند و هر یک از دو جامعه مبدأ یا مقصد را در مرکز قدرت قرار دهند یا به حاشیه برانند.

ونوتی (۱۹۹۲) با استفاده از دیدگاه های فوکو، ترجمه را کاری می داند در خدمت بازنمایی هویت در چارچوب قدرت. از نظر او، هنگام ترجمه ادبیات از زبانی که به حاشیه رانده شده است و در عرصه قدرت جایگاه بارزی ندارد به زبانی که در جایگاه قدرت قرار دارد، استفاده از روش بومی سازی، هویت جامعه مبدأ را مخدوش می کند، ادبیات بیگانه را به زبان آشنا و خودی عرضه می کند و باعث می شود خواننده مقصد فکر کند که ادبیات بیگانه همان ادبیات خودی است و به این ترتیب در ادبیات "دیگری" خود را ببیند و "خود شیفتگی اش" ارضا شود (۱۹۹۲، ص ۵). او معتقد است برای حفظ هویت جامعه مبدأ باید از روش بیگانه سازی و راهکار ترجمه لفظ به لفظ استفاده کرد تا در این نابرابری قدرت جامعه ای که به حاشیه رانده شده است امکان حضور پیدا کند.

اسپیوک (۱۹۹۲ / ۲۰۰۰)، تحت تأثیر فلسفه ساختارشکنی دریدا و نظریه پسا استعماری و دیدگاه های فمینیستی، معتقد است ترجمه نوعی کار سیاسی است که موجب می شود ترجمه ادبیات جوامع به حاشیه

رانده شده به زبان قدرت، جامعه هژمونیک نیرومند تر کند و هویت جامعه مبدأ را بیوشاند. او بر خلاف ونوتی، ترجمه را دوقطبی نمی بیند؛ اما همچون ونوتی، ترجمه لفظ به لفظ را توصیه می کند و معتقد است که ترجمه لفظی اصطلاحات فرهنگی و عناصر بلاغی از جمله استعاره و تشبیه های بدیع می تواند دریچه ای باشد برای درک اندیشه و احساس جوامع مقصد. اسپوک در ترجمه به دنبال معادل نیست؛ آنچه او می جوید برابری و توازن قدرت میان جوامع کم قدرت و پر قدرت از طریق ترجمه لفظی است.

چسترمن (۲۰۰۶) از بوردیو صحبت می کند و مفهوم "حوزه" را در نظریه بوردیو مطرح می کند و معتقد است "مترجم ها فاعلان مختاری هستند که برای رسیدن به جایگاه قدرت با هم رقابت می کنند" (۲۰۰۶، ص ۱۳). مفهوم دیگری که او از بوردیو مطرح می کند، عادت واره (habitus) است که شامل "جنبه های روانشناختی و عاطفی" مترجمان است و مفاهیمی چون "الگوی رفتاری، تصویر از خود و هویت جمعی" را در بر می گیرد.

۴- روش شناسی

تحقیق حاضر، توصیفی و تبیینی است و پدیده ترجمه در دوران دفاع مقدس را در "بافت طبیعی" آن (ویلیامز و چسترمن، ۲۰۰۲، ص ۶۲) بررسی می کند. این تحقیق دارای دو بخش است و روش کار در هر بخش متفاوت است. بخش اول تحقیق کتابخانه ای و کمی است و بخش دوم پیکره ای و کیفی است.

۴-۱- بخش اول: بخش کمی

در بخش اول تحقیق، ابتدا فهرستی از آثار ادبیات بزرگسال (اعم از رمان و داستان کوتاه) که در دوران دفاع مقدس به صورت کتاب یا پاورقی نشریات به چاپ رسیده است، تهیه شد تا نخست معلوم شود در این دوران جامعه چه نوع ادبیات ترجمه شده ای را می خوانده است. در واقع، بخش اول تحقیق در پی آن بود که پرسش های اول، دوم و سوم تحقیق را پاسخ دهد.

داده های مربوط به این بخش از دو منبع فراهم شد: دسته اول داده ها، عناوین رمان ها و مجموعه داستان ها را در بر می گیرد و دسته دوم شامل عناوین همه داستان های کوتاهی می شود که در این سالها

ترجمه و در مجلات ادبی به چاپ رسیده است. دسته اول داده‌ها از روی فهرست‌ها و نمایه‌هایی که اطلاعات مربوط به چاپ ادبیات ترجمه شده را منتشر کرده‌اند استخراج شد، از جمله فهرست آستان قدس، فهرست کتبه، فهرست‌های خانه کتاب ایران، فهرست‌های ارشاد، و مراجعی نظیر فهرست آثار مترجم.

دسته اول داده‌ها (رمان‌ها) بر اساس مقوله‌های زیر طبقه‌بندی شد:

۱. عنوان در زبان مبدأ
۲. عنوان در زبان فارسی
۳. نام نویسنده
۴. نام مترجم
۵. نام ناشر
۶. تاریخ انتشار در زبان مبدأ
۷. تاریخ انتشار ترجمه
۸. محل چاپ ترجمه
۹. نوع ادبی (رمان تاریخی، جنایی، اجتماعی، عاشقانه، زندگی‌نامه، کلاسیک، تخیلی) و مجموعه‌های داستان کوتاه)
۱۰. نوبت ترجمه
۱۱. نوبت چاپ
۱۲. زبانی که از آن ترجمه انجام شده است.

دسته دوم داده‌ها از داستان‌های کوتاهی که در مجله‌های ادبی از ۱۳۵۹ تا مرداد ۱۳۶۷، یعنی تا پایان دوران دفاع مقدس، در ایران چاپ شده بودند، استخراج شد. این مجلات به شرح زیر است:

آدینه

کیهان فرهنگی

سروش

دنیای سخن

کتاب جمعه

در این بخش داده‌ها بر اساس مقوله‌های زیر طبقه‌بندی شدند:

عنوان در زبان مبدأ

عنوان در زبان انگلیسی

عنوان فارسی

نام نویسنده

نام مترجم

نام نشریه

شماره نشریه

شماره صفحات

تاریخ چاپ در زبان مبدأ

تاریخ چاپ فارسی

اطلاعات پیرامونی (وجود توضیح درباره نویسنده، وجود پانویشت و یا معرفی داستان).

۲-۴ بخش دوم: بخش کیفی

هدف بخش کیفی آن بود که پاسخی برای پرسش‌های چهارم و پنجم تحقیق بیابد، یعنی راهکارهای ترجمه و تلویحات ایدئولوژیک آن‌ها. ناگفته پیداست که بررسی همه آثار در این جا ممکن نبود و نیست. پس برای این کار، در بخش رمان‌ها، پیکره کوچکی تشکیل و تحلیل شد. اما در بخش داستان کوتاه، چون تعداد داستان‌ها کم بود، همه آن‌ها تحلیل شدند.

پیکره

پیکره این تحقیق دو بخش دارد.

بخش اول حاوی رمان پر فروش "سالار مگسها" و ترجمه‌های آن است. علت انتخاب این اثر آن است که طبق داده‌های این تحقیق، "سالار مگسها" تنها رمانی است که با آنکه ترجمه قدیمی آن در بازار بوده است، چهار ترجمه جدید از آن در یک سال (۱۳۶۳) به چاپ رسیده است. در اینجا سه ترجمه این

رمان که در بازار کتاب موجود بود، در چارچوب مدل سه وجهی نقد ترجمه (فرحزاد، ۲۰۰۹) با هم مقایسه و با اصل مقابله شدند.

رمان "سالار مگسها" اثر ویلیام گلدینگ نخستین بار در سال ۱۹۵۲ به چاپ رسید. اولین ترجمه آن به قلم جواد پیماندار و با عنوان "حنا و نازگار مگسها" در سال ۱۳۵۱ در ایران به چاپ رسید. سپس در سال ۱۳۶۳ چهار ترجمه جدید از آن راهی بازار شد که سه تای آنها در اینجا در سه سطح متنی، پیرا متنی و نشانه شناختی نقد و تحلیل شده است. مشخصات این ترجمه ها به قرار زیر است:

۱. "بعل زبوب"، ترجمه م آزاد، چاپ اول (۱۳۶۳)، تیراژ ۵۰۰۰ جلد، سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار.
 ۲. "سالار مگسها"، ترجمه دکتر رضا دیداری، چاپ اول بهار (۱۳۶۳)، تیراژ ۳۰۰۰ نسخه، نشر افراشته.
 ۳. "سالار مگسها"، ترجمه حمید رفیعی، چاپ اول (نوروز ۱۳۶۳)، تیراژ ۵۰۰۰ نسخه، انتشارات بهجت.
- بخش دوم پیکره همه داستان های کوتاهی را در بر می گرفت که در سال های دفاع مقدس ترجمه آن ها در نشریات ادبی چاپ شده بود.

۵- نتایج

نتایجی که پس از تحلیل داده ها به دست آمد، به تفکیک سوال های تحقیق به شرح زیر است:
سوال اول: در دوران دفاع مقدس چه نوع آثاری در حوزه ادبیات بزرگسال ترجمه می شد؟

الف) در حوزه رمان

تحلیل داده های بخش کمی این تحقیق حکایت از آن دارد که در حوزه رمان، محبوبیت اول از آن رمان های بلند، آثار کلاسیک و رمانتیک است، دوم چاپ ها و ترجمه های مجدد از آثاری که پیشتر نیز توانسته بودند مهر تأیید وزارت ارشاد را به دست آورند و امکان آن را داشتند که با ویرایش یا ترجمه مجدد و یا بدون هیچ تغییری چاپ شوند، و سوم آثاری که با هنجارهای اخلاقی، سیاسی و اجتماعی آن دوران در تضاد نبودند. در خلال این سال ها در مجموع ۹۸۸ عنوان رمان ترجمه شده (اعم از آثاری که برای نخستین بار یا چندمین بار ترجمه شدند) و به چاپ رسیده است. اطلاعات مفصل در این باره به تفکیک موضوع در این جا می آید.

رمان های پر ترجمه

الیور توئیست، آرزوهای بزرگ و دیوید کاپرفیلد، هر سه به قلم چارلز دیکنز جزء آثاری بودند که بیشترین تعداد ترجمه مجدد را داشتند. غیر از این سه اثر، دیگر آثار پرترجمه این سال هاکننت مونت کریستو اثر آلكساندر دوما، ربه کا اثر دافنه دوموریه، ماجراهای هاكلبری فین اثر مارک تواین، سالار مگس ها اثر ویلیام گلدینگ، پیرامون اسارت بشر اثر سامرست موام و دور دنیا در هشتاد روز اثر ژول ورن هستند.

نویسندگان پُرچاپ

میكا والتاری، با تنها یک عنوان اثر (سینوهه پزشک مخصوص فرعون)، اما در مجموع ۱۹ بار چاپ مجدد، پُرچاپ ترین نویسنده این سالها بوده است. جالب آنکه از این نویسنده ناشناس اثر دیگری ترجمه نشده است. چارلز دیکنز، با سه عنوان اثر (الیور توئیست، آرزوهای بزرگ و دیوید کاپرفیلد)، دیگر نویسنده پُرچاپ این سال ها است که از سه اثر او در مجموع ۱۹ ترجمه مجدد و چاپ مجدد انجام شد. دو اثر ژول ورن، دور دنیا در هشتاد روز و میشل استروگف، در این سال ها، مجموعاً هفت بار ترجمه مجدد شدند و این ترجمه ها مجموعاً ۱۴ بار چاپ مجدد شدند. دافنه دوموریه دیگر نویسنده پُرچاپ این سال ها است. ربه کا، در دوره جنگ، چهار بار ترجمه مجدد شد و این ترجمه ها در مجموع به ۱۴ بار چاپ مجدد رسیدند. فتودور داستایوفسکی تنها نویسنده ای است که در این دوران چهار عنوان از آثارش (برادران کارامازوف، آزردهگان، جنایات و مکافات و تسخیر شدگان) ترجمه یا چاپ مجدد شد. یکی از آثار، تسخیر شدگان، برای اولین بار ترجمه شد. از این چهار عنوان اثر، مجموعاً ۱۷ ترجمه و چاپ مجدد انجام شد. فتودور داستایوفسکی، چک لندن، ژول ورن و دافنه دوموریه نه تنها نویسنده های پُرچاپ دوران دفاع مقدس هستند (به لحاظ تعداد ترجمه یا چاپ مجدد)، بلکه همچنین نویسنده هایی هستند که بیشترین عنوان اثر از آنها در خلال این سال ها ترجمه شده است.

ب) در حوزه داستان کوتاه

در حوزه داستان های کوتاه چاپ شده در مجلات، بررسی نشان داد که در ابتدای دهه ۶۰ ادبیات ترجمه شده جایی در نشریات ادبی نداشته است و تازه از سال ۱۳۶۶ این نوع ادبیات به نشریات راه یافت.

در دوران دفاع مقدس در مجموع ۳۰ عنوان داستان کوتاه و سه رمان کوتاه که به طور کامل یا ناقص به صورت پاورقی در مجلات چاپ شده است. پس دو ژانر ادبیات خارجی در مجله‌ها ترجمه می‌شد و به چاپ می‌رسید: اول داستان‌های کوتاه و دوم رمان‌های کوتاهی که در چند شماره چاپ می‌شدند. داستان‌های کوتاه دو دسته بودند: یکی داستان‌های کوتاهی که نویسندگان نام‌آشنایی داشتند، از جمله شروود اندرسون، کاترین مانسفیلد، ارنست همینگوی، گابریل گارسیا مارکز و آنتوان چخوف و دیگر آنهایی که نویسندگان کمابیش کم‌آوازه تری داشتند و جزء ادبیات نو آن دوران به حساب می‌آمدند، از جمله هاینریش بل، دینو بوتزاتی و خولیو کورتازار.

داستان‌هایی که در این دوران ترجمه و چاپ شده است اکثراً رئالیستی هستند. از مجموع ۲۷ عنوان داستان کوتاه، ۱۷ عنوان دارای سبک رئالیسم و هفت داستان دارای سبک رئالیسم جادویی هستند.

سوال دوم: در این دوران از چه زبان‌هایی ترجمه می‌شد؟

الف) در حوزه رمان

زبانی که بیشترین تعداد رمان از آن ترجمه شده است، انگلیسی است. با فراوانی ۴۳/۳۹ درصد. علت این امر شاید آن باشد که زبان انگلیسی از مدت‌ها قبل رو به رواج بود و ادبیات ملل غیر انگلیسی زبان از اواسط قرن بیستم با وساطت زبان انگلیسی و از طریق ترجمه‌های انگلیسی در جهان توزیع شد. پس از انگلیسی، زبان‌های فرانسه، با فراوانی ۲۹/۳۴ درصد و روسی با فراوانی ۱۰/۸۶ درصد دارای بیشترین ترجمه هستند. کمترین تعداد ترجمه مربوط به زبان‌های رومانیایی، سوئدی و لهستانی است. البته در بعضی موارد انگلیسی و فرانسه زبانهای میانجی بودند.

ب) در حوزه داستان کوتاه

بیشتر داستان‌ها (حدود ۲۰ داستان) از انگلیسی ترجمه شده‌اند؛ چهار داستان از زبان فرانسه و یک رمان کوتاه از زبان روسی که در هفت شماره به چاپ رسیده است. پس در هر دو مورد زبان غالب در این دوره زبان انگلیسی و پس از آن فرانسه بوده است.

سوال سوم: علت انتخاب این آثار برای ترجمه چه بوده است؟

الف) در حوزه رمان

به طور کلی، رمان های بلند در این دوران بسیار محبوب بوده اند. رمان های بلند به طور سستی، آثار کلاسیک و رمانتیک هستند. محبوبیت ترجمانی آن ها حکایت از آن دارد که کتابخوانان جامعه زمان زیادی برای خواندن در اختیار داشتند. شاید علت دیگر اقبال این آثار را باید در درونمایه های آنها جستجو کرد: آثار رمانتیک عموماً بیانگر احساسات و عواطف عالی انسانی هستند و شاید با فضای جامعه ای که دستخوش جنگی ناخواسته شده بود هماهنگ بوده است.

ترجمه های مجدد

نگاهی اجمالی به عناوینی که در این دوران تجدید چاپ و ترجمه می شدند، نشان می دهد که علل مهم تری هم مطرح بوده است.

اول آن که بسیاری از آثاری که در خلال آن سال ها تجدید چاپ و ترجمه شدند آثاری بودند که به لحاظ محتوایی، با هنجارهای اجتماعی، اخلاقی و سیاسی آن دوران در تضاد نبودند، یا حداقل ترجمه آنها مستلزم شکستن هیچ هنجار مذهبی و اجتماعی خاصی نمی شده است. شاهد این موضوع درون مایه اکثر این رمان های بلند است.

دوم آن که در این دوره مترجمان و ناشران ترجیح می دادند به جای عرضه آثار ادبیات جدید که می بایست به تأیید وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می رسید، آثاری را به بازار عرضه کنند که قبلاً مهر تأیید بر آنها قرار گرفته بود و نیاز به دریافت تأییدیه جدید نداشت و یا هنوز می توانست از وزارت ارشاد اجازه چاپ بگیرد.

سوم آن که برخی از آثاری که پیش از انقلاب ترجمه شده بودند، پس از انقلاب با ویرایش و تصحیح جدید روانه بازار شدند. این امر حکایت از تغییر موضع سیاسی جامعه دارد. برخی از مفاهیمی که با عناصر فرهنگ ایرانی-اسلامی هماهنگ نبودند، در این ترجمه های مجدد تغییر داده شدند یا حذف شدند تا با فضای فرهنگ ایرانی-اسلامی پس از انقلاب و دستخوش جنگ هماهنگ شوند.

چهارم آن که به دلیل محدودیت های بسیار، از جمله جنگ عراق، دولت امکان وارد کردن کتاب های خارجی را نداشت و در نتیجه مترجمان و ناشران از دسترسی به ادبیات روز محروم بودند. اولین نمایشگاه

کتاب در سال ۱۳۶۶ در تهران آغاز به کار کرد و هدف آن بیشتر وارد کردن کتاب های علمی و فنی بود، نه ادبیات. به علاوه، در آن دوران هنوز اینترنت جهانی نشده بود یا دست کم در اختیار ایرانیان قرار نداشت. پس در واقع، دسترسی به ادبیات بیگانه بسیار مشکل بود. این امر سبب شده بود که مترجمان و ناشران روی به آثاری آورند که نسخه های زبان مبدأ آن ها در بازار یا کتابخانه ها موجود بود حتی اگر قبلاً هم ترجمه شده بودند.

ب) در حوزه داستان های کوتاه

داستان هایی انتخاب و چاپ می شدند که تضادی با شرایط فرهنگی و سیاسی جامعه آن زمان نداشتند. به نظر می رسد علت انتخاب داستان ها، اول معرفی ادبیات نوی آن زمان و نویسندگانی بوده که کمتر شناخته شده بودند، زیرا در بسیاری موارد ترجمه ها با توضیحاتی در مورد نویسنده و تحلیل آثار او همراه بودند، به ویژه در نشریه کیهان فرهنگی. نویسندگانی چون ر.ک. نارایان، دومینکو رئا، بیه فنولیو، خولیو کورتازار، خوان رولفو، ریموند کوئو، آتزیو تادئی، کارلوس مونتالا و ایلیا ارنبورک از آن جمله اند. معرفی نویسندگان و آثار جدید ادبیات جهان، در حوزه داستان کوتاه و در مجله ها بیشتر صورت گرفته است تا در حوزه رمان. پیداست که نشریات آمادگی و امکان بیشتری برای معرفی نویسندگان و سبک های جدیدتر داشتند.

سوال چهارم: راهکارهای ترجمه ادبیات داستانی در این دوران چه بوده است؟

در سطح متنی، پر استفاده ترین راهکار افزایش است که غالباً منجر به تصریح شده است. پس از آن راهکار حذف پر بسامد ترین است. تحلیل موارد افزایش و حذف نشان می دهد که راهکار اول در خدمت طبیعی سازی و بومی سازی بوده و راهکار دوم در خدمت انواع سانسورهای اخلاقی و مذهبی. به علاوه، نگاهی کلی به ترجمه هایی که در این سالها چاپ شده است نشانگر دو امر است. نخست آنکه ترجمه هایی که به دست مترجمان صاحب نام تولید شده است عموماً بر اساس دو اصل "بیگانه زدایی" و "طبیعی سازی" استوار بوده است. پس "روانی ترجمه و سلاست آن"، معیار غالب شد، چندان که موضوع ویرایش ترجمه در خدمت این دو اصل مطرح شد. نقدهای ترجمه در مجلات عمدتاً احتراز از ترجمه تحت اللفظی و گرتنه برداری های معنایی و نحوی را توصیه می کردند و درستی و نادرستی ترجمه را تا حد زیادی در چارچوب "روانی و مصطلح بودن زبان" آن بررسی می کردند.

دیگر آنکه تغییر شرایط فرهنگی و اجتماعی و تطابق جامعه با موازین بعد از انقلاب مستلزم بازنگری محتوایی ادبیات ترجمه شده بود. در نتیجه حذف (و گاه سانسور) به یکی از راهکارهای رایج تبدیل شد که گاه به دست مترجم اعمال می شد و گاه به دست ناشر یا مقام های ذیربط. نمونه آن حذف فصلی از رمان خرمگس در چاپ بعد از انقلاب است که سبغه غیر اسلامی دارد.

راهکارهایی که در خدمت دو اصل بیگانه زدایی و طبیعی سازی اعمال می شده عبارتند از:

الف) افزایش، در سطح انتخاب های واژگانی و مفاهیم،

ب) حذف، در سطح واژگان و مفاهیم که گاه به صورت سانسور در می آمد.

در سطح پیرامنی، بررسی نشان داد که پانویس، مقدمه یا پیشگفتار مترجم ها و ناشران در رمان های ترجمه شده و نیز یادداشت مترجم در کنار ترجمه داستان های کوتاه، به موارد زیر پرداخته اند:

اطلاعاتی در مورد خود اثر، سبک و نویسنده، علت انتخاب اثر برای ترجمه، موضع گیری مترجم به نفع یا علیه اثر، و اطلاعاتی در مورد شیوه کار مترجم و راهکار های او.

باید دانست که اطلاعات پیرامینی داستان های کوتاه نشان می دهد که مجلات در معرفی نویسندگان و سبک های ادبی تازه پیشگام بودند.

در سطح نشانه شناختی راهکار غالب در مورد رمان و داستان کوتاه تفاوت دارد. در ترجمه رمان دو راهکار اصلی عبارتند از:

رازآمیزی (exoticizing) به معنای عجیب و پر رمز و راز جلوه دادن

سیاست گرایی (politicizing) به معنای اعمال دیدگاه سیاسی مترجم یا ناشر در تصویر پردازی.

در داستان کوتاه غالب تصاویر ساده، سیاه قلم و با حداقل کار گرافیکی ترسیم شده اند و راهکار اصلی، تصویر پردازی هماهنگ با موضوع است. تصویرها تا حدی خشن و شاید تحت تأثیر و در عین حال نمایانگر شرایط دوران جنگ است.

سوال پنجم: تلویحات ایدئولوژیک این راهکارها چه بوده است؟

اعمال این راهکارها در ترجمه سه تلویح ایدئولوژیک دارد:

نخست بیگانه زدایی و کم کردن فاصله بین خود و دیگری، زیرا متن ترجمه به علت طبیعی سازی و بومی سازی، روان و خودی به نظر می آمد.

دوم ورود ارزش ها و باورهای بیگانه در جامعه خودی به جامعه، زیرا به رغم روانی و خودی شدن بعضی مفاهیم، همه چیز را نمی شد با هنجارهای زمانه هماهنگ کرد و تغییر داد، آخر نقش دوگانه ترجمه در مقابله با ارزش های بیگانه (از طریق بومی سازی و رعایت هنجارهای مقصد) و در عین حال تثبیت آنها (از طریق انعکاس ناگزیر ارزش ها و مفاهیم بیگانه، که نقش اجتناب ناپذیر هر ترجمه ای است).

۶- نتیجه گیری

یکی از چارچوب های نظری این تحقیق نظریه نظام چندگانه ادبی^۱ اون زوهار (۱۹۷۸/۲۰۰۰) است. طبق این چارچوب ادبیات ترجمه شده گاه "جایگاه اصلی" را در نظام ادبیات مقصد اشغال می کند و گاه "جایگاه فرعی" را. جایگاه اصلی وقتی است که ادبیات ترجمه ای "نوآوری" دارد، "غیر متعارف" است، مدل ها یا ژانرهای نو را به ادبیات مقصد وارد می کند، و در ادبیات مقصد "اثرگذار" است، یعنی منجر به تولید صورت های نویی می شود که در نظام ادبیات مقصد جا باز می کنند و تغییر ایجاد می کنند. در این شرایط ترجمه ها مبدأ-مدار می شوند، یعنی راهکار غالب ترجمه تحت اللفظی است که موجب می شود متن مقصد رنگ و بوی بیگانه داشته باشد. ادبیات ترجمه ای وقتی جایگاه فرعی اشغال می کند که "تأثیری در نظام ادبیات مقصد ندارد"، "محافظه کار" است و صورت ها و قالب های جا افتاده و کلیشه ای را دنبال می کند. در این شرایط ترجمه مقصد-مدار می شود، یعنی ترجمه ای که رنگ و بوی بیگانگی ندارد. راهکار غالب در این جا روان سازی و طبیعی سازی است.

تحلیل روند "انتخاب" آثار برای ترجمه (اون زوهار، ۱۹۹۰، ص ۴۶) حکایت از این دارد که به رغم تغییر شرایط سیاسی و فرهنگی، در حوزه رمان، ترجمه در دوران دفاع مقدس، در خدمت "نوآوری" (۱۹۹۰، ص ۴۶) نبوده است و بیشتر در پی تکرار الگوهای مقصد بوده است و تنها با "هنجارهای" مقصد خود را وفق می داده است (۱۹۹۰، ص ۴۸) بی آن که توان اعمال "نفوذ" بر نظام ادبیات مقصد را داشته باشد.

کثرت ترجمه ها و چاپ های مجلد نشان می دهد که ادبیات ترجمه شده در این دوران پویایی نداشته است و به جای معرفی نوآوری ها و همگامی با ادبیات جهان، صورت ها و سبک های کلیشه ای را

^۱ Polysystem theory

همچنان تثبیت می کرده، و معیارهای این کلیشه ها را تقویت می کرده است. جامعه در حال جنگ بیش از آنکه دغدغه ادبیات نو و سبک های جدید را داشته باشد، به کلیشه روی آورده بود که آشنا بود و رویارویی با آن نیاز به صرف نیرو و انرژی نداشت. اما این نگرش موجب ایستایی ادبیات ترجمه ای می شد. تنها مواردی که گاه این ایستایی اندکی مختل می شد معدود داستان های کوتاه ترجمه شده ای بود که به طور پراکنده و به صورت غیر نظام مند در مجلات چاپ می شد. این ترجمه ها، چنان که نتایج نشان داد، راهی متفاوت با ترجمه رمان پیموند و نقش دیگری یافتند. این ها ابزاری شدند برای معرفی بخشی از ادبیات نوی بیگانه آن دوران و معرفی بعضی نویسندگان مطرح خارجی و گاه سبک های نوی آنها به جامعه، که طرح آن ها از طریق ترجمه رمان ممکن نبود. انتخاب داستان ها، سبک های ادبی و راهکارهای ترجمه ای در حوزه داستان کوتاه در مجلات همین را نشان می دهد. با این حال تعداد اندک این داستان ها، عمر کوتاه مجلات و تعداد کم خوانندگان آن ها در قیاس با خوانندگان رمان، موجب می شد تأثیرگذاری آنها بسیار ناچیز باشد.

پس در سال های پر تلاطم دفاع مقدس ترجمه در خدمت دو نیروی متقابل به کار رفته است؛ هم در صدد مقابله با ورود ادبیات، مفاهیم و ارزش های بیگانه، ناپیمن و جدید بوده است و هم به واسطه خاصیت ذاتی خود محمل ورود این مفاهیم بوده است. نقش اول در ترجمه رمان ها پررنگ است و نقش دوم در ترجمه داستان های کوتاه در مجلات که همواره در صدد معرفی آثار و سبک های نو بوده اند.

روح دو اصل "بیگانه زدایی" و "طبیعی سازی" به صورت راهکارهای غالب در ترجمه رمان و داستان های کوتاه در مجلات برای آن بوده که اولاً ادبیات ترجمه شده با هنجارهای جامعه آن دوران هماهنگ شود و ثانياً آثار زبان و فرهنگ بیگانه در ترجمه زدوده شود، همه چیز رنگ خودی بگیرد و فاصله بین خود و دیگری (غرب) کم شود یا حتی از میان برود. در واقع، در این دوره، در نظر جامعه ایرانی-اسلامی، مفهوم دیگری، غرب و جوامع اروپایی و آمریکای شمالی (بروجردی، ۱۹۹۶، ص ۵۳) را در بر می گرفت و نیز هر مکتب فکری که در تضاد با فرهنگ ایرانی-اسلامی شیعی ایران بود. جریان "دیگری قلمداد کردن غرب" که از سال ها قبل و حتی پیش از انقلاب اسلامی در ایران آغاز شده بود (بروجردی، ۱۹۹۶، ص ۵۳) در دوران دفاع مقدس نمودی جدی و آشکار پیدا کرد و رفته رفته در گفتمان های جامعه و در متون گوناگون، از جمله در ادبیات ترجمه شده خود را نشان داد. این جریان سبب تولید

ترجمه هایی شد که هرچه بیشتر به تصویر خودی نزدیک بودند و از عناصر بیگانه دور. اما این دیگری ستیزی، بیگانه زدایی و طبیعی سازی بیشتر در سطح لفظ و معنا و دستور اعمال می شد، نه در سطح ارزش ها و مفاهیم اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بیگانه، که انتقال شان از راه ترجمه اجتناب ناپذیر است. پس این غرب ستیزی زبانی، بر خلاف نظریه نخستین ونوتی (۱۹۹۲) درباره بیگانه سازی و بومی سازی، نمی توانست جلوی ورود ارزش ها و باورهای بیگانه ای را بگیرد که در جامعه نثر آشنا و خودی به جامعه راه می یافتند. زیرا خواننده ای که نثر را آشنا و خودی ببیند، محتوا را نیز خودی و آشنا فرض می کند و خود را در آن می جوید و می یابد، چندان که رفته رفته اندیشه و رفتار خود را با آن هماهنگ می کند. تأثیر این موضوع را در دهه بعد از جنگ دیدیم، وقتی که ترس از چیزی مطرح شد که آن را تهاجم فرهنگی خواندند. پس در این دوران ترجمه دو نقش متضاد پیدا کرد: یکی مقابله با حضور بیگانه و دیگری معرفی و تثبیت ارزش های بیگانه.

رواج بومی سازی و طبیعی سازی زبانی تأثیرات دیگری هم داشت. اول آن که بومی سازی مستلزم انواع خلاقیت های زبانی است، و در نتیجه مترجمی که از این راهکار استفاده می کرد، شناخته و مشهور می شد و مورد توجه قرار می گرفت. شاید به همین علت مترجمان از ترجمه اثری که قبلاً ترجمه شده بود و اهمه نداشتند، و فکر می کردند ترجمه خودشان با دیگران فرق دارد و نام آن ها به اثر ارزش می دهد. در واقع یک تفاوت عمده ترجمه های مکرر در ارزش نام مترجمان آن ها بود. این یافته خلاف نظر ونوتی (۱۹۹۲) است، که معتقد است بومی سازی مترجم را ناپیدا می کند. در مورد حاضر، شاید بتوان گفت خلاقیتی که مترجم به اجبار در بومی سازی از خود نشان می دهد، موجب پیدا بودن اوست.

دوم آن که گاه تشخیص ادبیات ترجمه شده از ادبیاتی که به زبان فارسی تولید می شد دشوار بود و همین امر موجب می شد مترجم جایگاه نویسنده را پیدا کند و کاملاً دیده شود. این هم به پیدایی مترجم کمک می کرد. سوم آن که موجب می شد خواننده فکر کند ترجمه ای که می خواند تصویری شفاف و صادق از جامعه مبدأ را منعکس می کند، در حالی که این تصویر در واقع طبق ضوابط جامعه مقصد تغییر کرده بود. این تغییر و در نتیجه شفافیت کاذب موجب می شد خواننده، به قول ونوتی (۱۹۹۲)، فکر کند دیگرانی هم که به فرهنگی دیگر تعلق دارند، مانند خودش هستند، چون او می اندیشند و می زیبند. پس در این مورد خواننده، بیگانه را به جای خودی می گرفت و با او همسان می شد.

۷- سخن آخر

بررسی تاریخ ترجمه اهمیت فراوان دارد، به ویژه وقتی ترجمه را دریچه ای به سوی اوضاع جامعه در هر دوره بدانیم. جای این نوع بررسی در کشور ما هنوز خالی است. تحقیق حاضر تنها بخش کوچکی است از کاری سترگ که پیش روی ترجمه پژوهان این مرز و بوم است.

کتابنامه

- افشار، م. و کنارسری، ف. (۱۳۷۷). *کتابشناسی رمان و مجموعه های داستانی مترجم*. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فرحزاده، ف. (۱۳۹۰). نقد ترجمه: مدلی سه وجهی. در ف. آقا گل زاده. *مجموعه مقالات اولین کارگاه تحلیل گفتمان انتقادی*. تهران: انجمن زبان شناسی ایران.
- مسجد جامعی، ا. (۱۳۷۷). کارنامه نشر. *مجموعه کتابشناسی ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران*. از ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸. تهران: خانه کتاب.
- ناجی نصرآبادی، م. (۱۳۸۲). *فهرست کتابهای فارسی شده چاپی*. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی. *دایره المعارف دفاع مقدس*. (۱۳۸۷). تهران: بنیاد دفاع مقدس.
- Boroujerdi, M. (۱۹۹۶). *Iranian intellectuals and the West*. Syracuse, NY: Syracuse University Press.
- Calzada Perez, M. (Ed.) (۲۰۰۳). *Apropos of ideology: Translation studies on ideology – Ideology in translation studies*. Manchester: St. Jerome.
- Chesterman, A. (۱۹۹۷). *Memes of translation*. Amsterdam: John Benjamins.
- Chesterman, A. (۲۰۰۶). Questions in the sociology of translation. In J. F. Duarte, A. A. Rosa, & T. Seruya (Eds.), *Translation studies at the interface of disciplines* (pp. ۹–۲۷). Amsterdam: John Benjamins.

- Even-Zohar, I. (۱۹۷۸/۲۰۰۰). The position of translated literature within the literary system, In L. Venuti (Ed.), *Translation studies reader* (1st ed.) (pp. ۱۹۲-۱۹۷). London: Routledge.
- Even-Zohar, I. (۱۹۹۰b). Polysystem theory. *Poetics Today*, ۱۱(۱), ۹-۲۶.
- Fairclough, N. (۱۹۹۵). *Critical discourse analysis*. London: Longman.
- Farahzad, F. (۲۰۰۹). Translation criticism: A CDA approach. *Translation Studies Quarterly*, ۶(۲۴), ۳۹-۴۷.
- Farahzad, F. (۲۰۱۲). Translation criticism: A three-dimensional model based on CDA. *Translation Studies Quarterly*, ۹(۳۶), ۲۷-۴۴.
- Gentzler, E. & Tymoczko, M. (Eds.). (۲۰۰۲). Introduction. *Translation and power* (pp. xi-xxviii). Amherst: University of Massachusetts Press.
- Hermans, T. (۱۹۹۶). Norms and the determination of translation: A theoretical framework. In R. Alvarez & M. Vidal (Eds.). *Translation, power, subversion* (pp. ۲۵-۵۱). Clevedon, England: Multilingual Matters.
- Hermans, T. (۲۰۰۷). Translation, irritation and resonance. In M. Wolf & A. Fukari (Eds.). *Constructing a sociology of translation* (pp. ۵۷-۷۵). Amsterdam: John Benjamins.
- Lefevere, A. (۱۹۹۲). *Translation, rewriting and the manipulation of literary fame*. London: Routledge.
- Lefevere, A. (۱۹۹۸). Translation practice and the circulation of cultural capital: Some Aeneids in English. In S. Bassnett, & A. Lefevere (Eds.), *Constructing cultures: Essays on literary translation* (pp. ۴۱-۵۶). Clevedon, England: Multilingual Matters.
- Mollanazar, H. (n.d.). *Impact of censorial measures*. Unpublished manuscript.
- Munday, J. (۲۰۰۱). *Introducing translation studies*. London: Routledge.

- Tymoczko, M. (۲۰۰۳). Ideology and the position of the translator: In what sense is a translator “in between”? In M. Calzada Pérez (Ed.), *Apropos of ideology-Translation studies on ideology-Ideologies in translation Studies* (pp. ۱۸۱–۲۰۵). Manchester, England: St. Jerome.
- Venuti, L. (Ed.) (۱۹۹۲). *Rethinking translation; discourse, subjectivity, ideology*. London: Routledge.
- Vermeer, H. (۲۰۰۶). *Luhman`s “Social Systems” theory: Preliminary fragments for a theory of translation*. Berlin: Frank & Timme.
- Williams, J., & Chesterman, A. (۲۰۰۲). *The Map: The beginner`s guide to doing research in translation studies*. Manchester, England: St. Jerome.
- Wolf, M., & Fukari, A. (۲۰۰۷). *Constructing a sociology of translation*. Amsterdam: John Benjamins.

